



عاطفه جعفری و سید مهدی موسوی تبار  
 گروه فرهنگ

بررسی سینمای مسعود اطیابی از «ماه گرفتگی، تا «نگراس» و «دینامیت» می تواند تصویری واقعی از امروز سینمای ایران بدهد؛ سینمایی که فقط محصول دغدغه‌ها و اختیارات فیلمساز نیست و در پرداخت و ورود به مسائل، به‌شدت متاثر از شرایط و اتفاقات پیرامونی‌اش است؛ محصول شرایط مختلفی از جنس بدریث سینمایی دولت قبل بر تولید و عرضه فیلم گرفته تا قبل تر از آن نحوه معرفی و حضور فیلمسازانی همچون اطیابی در سینمای دولت احمدی‌نژاد.

اطیابی در گفت‌وگوی پیش‌رو خیلی صریح از «نگراس» و «دینامیت» می گوید بی‌ارزش‌ها، کارهای ارزشی من را سانسور می کنند. به‌بهانه‌ها اکران «دینامیت» در سینماهای کشور با مسعود اطیابی گفت‌وگو کردیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

۱۱۱

**اوضاع احوال‌تان خوب است؟ یا توجه به پرفروش بودن «دینامیت»، باید حال خوش و خوبی داشته باشید.**  
 جایی که اوضاع و احوال مردم خوب باشد و این‌ها می‌خندند، حال ما خوب است.

**و این کی چرخه است؟**

ما مگر به چه کسی وصل هستیم؟ روز شما خوب باشد روز ما هم خوب است. خوبی اوضاع به دل شاد مردم است، نه به ثروت آنها.

**اما بخشی از این دل‌شاد از فقر و ثروت و اوضاع اقتصادی می‌آید.**

می‌تواند این‌طور باشد. این‌شادی هر دلیلی می‌تواند داشته باشد. اوضاع خوب این است که در وضعیتی باشید که دل شما داغ باشد. مثل جوانی است که ازدواج کرده و با پار خود خوش است. محیط زندگی هم می‌تواند به‌منوی بار باشد و اگر در آنجا خوش باشید اوضاع به نظر شما خوش‌تر است.

دایم و ممکن است موجب ناخوشی شود، بمانی گفت که دل‌خواه ما موجب ناخوشی شود، درآحتی روانی ممکن است موجب ناخوشی شود. همه اینها تاثیر دارد. آدم فقیر دایم که خیلی خوش است. زمان‌هایی بود که کشور فقیرتر از الان بود ولی خوش بودیم.

**سینما منتشر شده بود که دینامیت پرفروش‌ترین فیلم خیابانی ایران شد.**

فروش ما هر روز بالاتر می‌رود. آمار را هم (سفا) می‌گیرم ۳۰۴۰ دقیقه قب است. تعداد مشتری بی‌میتا بیشتر می‌شود. برای امروز بلیت نداریم و سینماها سانس فوق‌العاده می‌گذارند. سانس‌های روزروا به فیلمی می‌دهند

## فرهنگ



دیگر این است که مخاطب را درباره فیلم خود گول زنم. اگر فیلم کم‌دنی است، کم‌دنی تبلیغات شود و اگر فیلم حادثه‌ای یا جدی است به همان ترتیب تبلیغ شود. زائر برای مردم باید مشخص شود بدون اینکه قصه لو برود. اولین چیزی که مهم است، این‌دکه مخاطب بداند بابت چه فیلمی بلیت می‌خرد.

آثار من تبلیغ زیاد وجود ندارد و فروش خودش را هم می‌کند.

**یعنی چند نفر تماشاگر می‌شود؟**

۲۰۰ میلیون تومان یا احتساب بلیتی ۱۵ هزار تومان نیم‌بهای روز سه‌شنبه (مصاحبه روز سه‌شنبه انجام شده است) می‌شود ۲۱ هزار و ۷۰۰ نفر. البته روزهای سه‌شنبه داشتم که بیشتر از این فروخته شد. امروز بیشتر می‌شود و جمعه هم افزایش دارد. این جمعه بیشتر از هفته گذشته می‌شود چون ایام دهه فاطمیه بود و وعده‌ای به سینما نمی‌روند.

**اما برای تبلیغ «نگراس ۲» سیلورود زیاد بود.**

مگر چند سیلورود داشت؟ ۱۰۱۲ سیلورود به تهران بود که آن هم اتفاقی فیلمی پایین آمده بود و بیلوردها خالی بود و تهیه‌کننده گفت نگراس را بگذاریم. کمتر از یک ماه بود و آنقدر سیلورود نداشتیم.

**مردم از نگاه‌شما و البته مادر سینماهم هستند. کارنامه شما یک کارنامه خیلی جالبی است؛ از «صائب دوشیزه» شروع شده و به دینامیت رسیده است. در جاهایی آدمی را به سینیما که نگران نبودن عنصر سرگرمی در زندگی مردم است و در جاهایی نگران مشکلات خانواده‌گی، روابط انسانی و اجتماعی مردم. به نظر می‌رسد حالا شما هم به جمع پولسازترین کارگردان‌های سینمای امروز ایران اضافه شدید.**

به این عنوان علاقه ندارم ولی نراحت نمی‌شوم.

**در کارنامه شما آثار سینمایی همچون «خاک و مرجان» تا فیلم‌های «دینامیت» و «خوبی داشته باشید» می‌توان گفت اقتصادات ایران در آن راداد می‌کند به سستی بر روی پا ملت دیگری دارد؟**

بعد از خواندن اختیار دست ماست، همان اختیاری را که خداوند داده استفاده می‌کنم و اگر اراده باشد اراده من است. بعد از چیزی که تدبیر نام می‌گذارند یا هر چیزی که با جنیه دینی نگاه کنید، در وجه اختیار و تقدیری که می‌توان رقم زد، خودمان موثر هستیم و تصمیم می‌گیریم.

اینکه چرا رنگارگی و تنوع زائر دارم را شاید بتوانم این‌گونه توضیح دهم؛ «چه گوارا یک حمله معروفی دارد که می‌گوید فرد انقلابی کسی است که در جایی که به او نیاز دارند کار می‌کند. جایی که نتواند یا به او نیاز ندارند نمی‌رود. چه گوارا به ما می‌خورد ولی به‌عنوان کسی که می‌توان بهانه کرد و در اینجا از او نام برد، می‌گویم. واقعیت این است خیلی دوست

دارم جایی باشم که نیاز است. بسیاری می‌گویند برای پول

است. من می‌گویم زندگی من را چونتو کنید می‌گوید

برای پول نیست. از کنار فیلم‌های من بسیاری سود کردند ولی خود کمترین بهره‌مالی را داشتم. بیشترین بهره‌ای

که داشتم از فیلم‌های دیدم این است که مخاطب خودش را راضی

دیده باشد. برای من مهم نیست مخاطب برای چه دلیلی

به سان می‌آید، دوست دارم وقتی از سالن می‌رود، راضی

باشد. با هر انگیزه‌ای می‌توانید مخاطب را به سینما بکشاند

می‌کردم می‌بهرم. بعد از دو سه روز که سرحال شدم

بازی مرکب را انماش کردم و حال خوب شد و برای

سازنده سربال دعا کردم. من درگیر آنالیز نبودم. من مثل مردم عادی درگیر سربالایی شدم و لذت

بردم. موقع تماشاخی برای سینمای ایران ارائه دهم. چیز

خون من بالا می‌آید. اصولاً کسانی که فیلم من

ولی آن چیزی که با منش همراه است به حوزه تخصصی

می‌شود. برای امروز بلیت نداریم و سینماها سانس

فوق‌العاده می‌گذارند. سانس‌های روزروا به فیلمی می‌دهند

**خودتان چه‌جس فیلم‌هایی را دوست دارید؟ فیلم‌هایی که مخاطب آنالیز می‌کند یا خبر؟ به نظر می‌رسد فیلم‌هایی از «خاک و مرجان» یا همان «ماه گرفتگی» از همین جنس فیلم‌هایی باشند که می‌گویید مخاطب باید بشنید و فیلم را آنالیز کند؟**

«خاک و مرجان» را هم مخاطب عادی آنالیز نمی‌کند. فیلم‌باید طوری باشد که آنالیز نکند. اثر دینامیت برای مردم بیشتر از خاک و مرجان است. «خاک و مرجان» در جشنواره‌ها و در هند و اتریش و چند جشنواره خوب رفت و اثر گذاشت. در هند به یاد دارم کنسول آمریکا اعتراض کرد که چرا این فیلم را نمایش دادید. خاک و مرجان یک جنس دیگر است و در اینجا حزب‌اللهی‌ها مخالف آن بودند. می‌گفتند باید در انتها این آدم به خودش

انتحاری ببیند و به سمت پایگاه آمریکایی برود. شورای پروانه ساخت آن موقع اصرار داشت یک سکانس بگذارد که این تصویر نشان دهد. من مخالفت کردم. گفتن این لطمه به فیلم ماست. در فیلم خاک و مرجان می‌خواستیم بگوییم تجاوز هویت این مردم را می‌گیرد، من نگفتم که

شما هم به جمع پولسازترین کارگردان‌های سینمای ایران است که در انتهای فیلم تجاوز به کل بد است.

**جالب است خودتان هم دارید فیلم را آنالیز می‌کنید.**

من و شما وظیفه داریم آنالیز کنیم. در درباره تبلیغ می‌کنیم. کسانی فیلم من را تبلیغ می‌کنند که آنالیز نمی‌کنند.

**نقل قولی گفتید که هر جایی احساس نیاز کنم همان جا حضور دارم و فیلم می‌سازم. به نظر شما جنس فیلم‌هایی مثل «دینامیت» چه نیازی از جامعه امروز ما را برطرف می‌کند؟**

حالا اگر بخواهیم فیلم‌ها می‌گویم. تلویزیون ما اگر تیزر داد باید به فیلم انقلابی همچون «منصور» ۵۵ درصدی بهتر است. همه سیستم با سنی ام فیلم ماست

من این نیست به‌نفع فیلم من تیزر بدهند. به‌نفع فیلم نیست باید کار کنید. وقتی به فیلم منصور ۵۰۰ تیزر داده شود ناحق می‌شود یعنی از وجه ناحق

برای کار حق استفاده کردند. زمانی بحث می‌کردند

توضیح دهم؛ «چه گوارا یک حمله معروفی دارد که می‌گوید

اینکه اتفاقی برای آن بیفتد، توقیف بود. در اعضای شورای

پروانه نمایش دو نفر با نگاه شخصی مخالف بودند، نه قانونی! مشکلی که ما داشتیم.

**نمی‌توانید اسم ببرید؟**

اسم نمی‌برم اما از شورای پروانه قبلی بودند. الان هم شورای پروانه ساخت مخالفت می‌کند. اگر جای وزیر یا سازمان سینمایی بودم و عضوی از شورای پروانه ساخت اظهارنظر شخصی می‌کرد و مانعش ارائه می‌داد از شورای پرویش می‌کردم چون توان این را ندارم نظر شخصی خود را کنترل

کند. مثلاً اگر از سینمایی را خیلی قبول دارم ولی دلی نمی‌شود اظهارنظر شخصی کند و مانعش برای سینمای ایران بدهد. غلبه خواست و فقط می‌تواند قانون را مطالعه

کند. شواهد ما قانع‌کننده نیست. غیر از اینکه نماینده‌ای از سوی شورای کار را نیست. برای سینمای ایران ارائه دهم. چیزی که مخاطب هستند یا خانوادگی نیست تهیه می‌شود و سلیقه خود کرد کنیم.

**درباره ساختار محبوب نرانه زیاد است و ربطی به این دولت و آن دولت ندارد. به نظر می‌رسد این جنس رفتارهای سلیقه‌ای دیگر کارگزار خودشان را هدایت و جریان‌سازی در سینمای ایران از دست داده است و برخورد‌های سلیقه‌ای به فیلم‌ها آسیب می‌زند؟**

رفتار سلیقه‌ای آسیب نمی‌زند بلکه نابود می‌کند، اعتماد را می‌بینم. فکر نکنید من انقلابی نیستم، من انقلابی هستم، در اقوام خود شهید دادیم، از انقلاب دفاع مقدس تا حوزه مقاومت بوده‌ام. روستای ما شهید زیاد داده است.

هنوز هم انقلابی هستم و ضعف‌مالی دارم. متعاقباً نیست

که فکر کنید وضع مردم خوب است.

ممكن است وضع اقتصادی ناراضی باشند اما عقید به

انقلاب هستند، من هم‌همین‌طور هستم. اما من با منتاقین

مشکل دارم. کسی که چهره خود را عوض کند در هر جایی

که خانواده ادیت می‌شود یا صحنه‌ای به‌نظام یا دین عرضه

می‌زند را تا نکرده دارم. اما عضو شورای پروانه ساخت حق

ندارم مانعش برای سینمای ایران ارائه دهم. چیزی که

سازید که فیلم را دوست داشت؟ قطعاً آدمی این کار را می‌کند

که برنامه‌ای دارد. در منجلیه من نمی‌گنجد نوع سانسورهای

انچنینی وجود ندارد. روی سینمای ایران باید کار کنید

که براساس‌شان مردم ساخته شده است. من روی سه‌میلیون

## ۱۳



می‌کنند که نابود کنند تا جای دیگری برنده باشند. حمله به سینمای کم‌دنی در مجموعه رسانه‌ها جزء خطاهاست. سینمای مفرح و سرگرم‌کننده جزء ضروریات است و حکومت موظف است تأمین کند. وقتی من در اینجا حاکم می‌شوم پدر خانواده هستم، چه چیزهایی را باید تأمین کنم؟ نیازها متعاقباً است. فقط قرار نیست شکم را سیر کنم. تنها آموزش را نباید تأمین کنم، اوقات فراغت و سرگرمی هم باید تأمین کنم. پارک و وسایل ورزشی و زمین ورزشی را باید تأمین کنم. باید زمینه ورزشی مردم را هم فراهم کنم، به‌نقطه فرمان بیایم که پرچم بالا برد. این نیاز جامعه است و باید فراهم شود و بخشی سینماست و همچنین سرگرم‌کننده است و اولویت بر بخش‌های دیگر دارد. اگر سینمای ایران دوست نباشد امکان ندارد یک فیلم ایدئولوژی را ارزشی نمایش دهد.

**چون چندبار حرف از مردم ایران زدیم و اینکه فیلم‌های کم‌دنی باید ساخته شوند تا همه مردم ایران اوقات خوشی داشته باشند، بهتر است به شکل دیگری به مساله اثر و حضور فیلم‌ها و آثار سینمایی ایران در جامعه امروز ایران بپردازیم. چقدر وقت پیش‌گزارشی در «فرهیختگان» منتشر شد که در آن براساس گزارش‌های مرکز آمار، متوسط هزینه‌های یک خانواده ایرانی ۶ میلیون تومان عنوان شده بود یعنی متوسط هزینه خانواده چهارنفره در شهرستان و این هزینه در رتبی (رتیب وقت قضا)یه آمد. بازهم نمی‌خواست**

**افضا کنند، ترس از رفتن به طرف حکم قضایی باعث شد اجازه**

**اینکه تنها سه درصد از کل این هزینه، خرج تفریحات**

**و محصولات همچون کتاب، سینما، تئاتر، موسیقی**

**و... می‌شود. یعنی اگر یک خانواده ایرانی ۱ میلیون**

**هزینه داشته باشند، ۴۰۰ هزار تومان خرج تفریحات می‌**

**کند. در سمت دیگر ما هم هزینه‌های سینما**

**رفتن یک خانواده ۴ نفره برای دو بار در ماه، ۶۰۰ هزار**

**تومان می‌شود.**

**یعنی قبول دارید دو بار در ماه سینما رفتن برای خانواده ۴**

**نفره نرم است؟**

**حتماً لازم است. به‌عنوان وجه سرگرمی لازم است.**

**پس نوشته شد که لازم است.**

**بله. حتماً قارسلوی است. مردم‌را به داشتن چهره خوب دعوت**

**می‌کنند. اینکه مونش باید چهره شفاف داشته باشد و مردم**

**چطور رفتار کند. همه اینها را درآورده‌اند.**

**چرا باید این قسمت را دربربازید؟**

**این‌جاست. چون باید بداند کسی چهره‌ا را درمی‌آورد و**

**به آن صحنه‌ها جایزه می‌دانند. برعکس شورای قبلی بود و**

**این سلیقه است که بد می‌شود.**

**چرا باید این قسمت را دربربازید؟**

**این‌جاست. چون باید بداند کسی چهره‌ا را درمی‌آورد و**

**به آن صحنه‌ها جایزه می‌دانند. برعق فروش فیلم شد. قدری**

**شمار در آن بود.**

**چرا باید این قسمت را دربربازید؟**

**این‌جاست. چون باید بداند کسی چهره‌ا را درمی‌آورد و**

**به آن صحنه‌ها جایزه می‌دانند. برعکس شورای قبلی بود و**

**این سلیقه است که بد می‌شود.**

**چرا باید این قسمت را دربربازید؟**

**این‌جاست. چون باید بداند کسی چهره‌ا را درمی‌آورد و**

**به آن صحنه‌ها جایزه می‌دانند. برعق فروش فیلم شد. قدری**

**شمار در آن بود.**

**چرا باید این قسمت را دربربازید؟**

**این‌جاست. چون باید بداند کسی چهره‌ا را درمی‌آورد و**

**به آن صحنه‌ها جایزه می‌دانند. برعکس شورای قبلی بود و**

**این سلیقه است که بد می‌شود.**

**چرا باید این قسمت را دربربازید؟**

**این‌جاست. چون باید بداند کسی چهره‌ا را درمی‌آورد و**

**به آن صحنه‌ها جایزه می‌دانند. برعق فروش فیلم شد. قدری**

**شمار در آن بود.**

**چرا باید این قسمت را دربربازید؟**

**این‌جاست. چون باید بداند کسی چهره‌ا را درمی‌آورد و**

**به آن صحنه‌ها جایزه می‌دانند. برعکس شورای قبلی بود و**

**این سلیقه است که بد می‌شود.**



نفر و برای دوساعت وظیفه دارم. کتابخانه محلی سرکوجه روزی ۵۰ نفر وظیفه دارد. پارک ملت و پارک‌شهر و... آنها هم یک وظیفه‌ای دارند و به این مجموعه وظایف اضافه می‌شوند. وقتی درباره فراغت و سرگرمی حرف می‌زنیم یک مفهوم کلان را باید نگاه کرد تا جامعه خود را بسازیم. من سه‌میلیون نفر، شهردار منطقه دو یک‌میلیون نفر، شهردار منطقه یک ۲۰۰ هزار نفر و... و هر یک کار خود را به‌خوبی انجام دهند روی هم اثرگذار است. ممکن است نوبستنده‌ها هم کتاب‌هایی بنویسند که سرگرم شویم.

**به نظر می‌رسد مخاطب سه‌میلیون برای سینما پایین**

**آوردن توقع برای یک سینمای ایران است.**

**ایده‌آل ما نیست. جاهایی است که سالن سینما ندارد اما**

**کشور روبه توسعه است و ما سازه‌ی.**

**بیشترین تماشاخی فیلم، برای فیلم قناب‌هاست.**

**چون چندبار حرف از مردم ایران زدیم و اینکه فیلم‌های کم‌دنی باید ساخته شوند تا همه مردم ایران اوقات خوشی داشته باشند، بهتر است به شکل دیگری به مساله اثر و حضور فیلم‌ها و آثار سینمایی ایران در جامعه امروز ایران بپردازیم. چقدر وقت پیش‌گزارشی در «فرهیختگان» منتشر شد که در آن براساس گزارش‌های مرکز آمار، متوسط هزینه‌های یک خانواده ایرانی ۶ میلیون تومان عنوان شده بود یعنی متوسط هزینه خانواده چهارنفره در شهرستان و این هزینه در رتبه (رتیب وقت قضا)یه آمد. بازهم نمی‌خواست**

**افضا کنند، ترس از رفتن به طرف حکم قضایی باعث شد اجازه**

**اینکه تنها سه درصد از کل این هزینه، خرج تفریحات**

**و محصولات همچون کتاب، سینما، تئاتر، موسیقی**

**و... می‌شود. یعنی اگر یک خانواده ایرانی ۱ میلیون**

**هزینه داشته باشند، ۴۰۰ هزار تومان خرج تفریحات می‌**

**کند. در سمت دیگر ما هم هزینه‌های سینما**

**رفتن یک خانواده ۴ نفره برای دو بار در ماه، ۶۰۰ هزار**

**تومان می‌شود.**

**یعنی قبول دارید دو بار در ماه سینما رفتن برای خانواده ۴**

**نفره نرم است؟**

**حتماً لازم است. به‌عنوان وجه سرگرمی لازم است.**

**پس نوشته شد که لازم است.**

**بله. حتماً قارسلوی است. مردم‌را به داشتن چهره خوب دعوت**

**می‌کنند. اینکه مونش باید چهره شفاف داشته باشد و مردم**

**چطور رفتار کند. همه اینها را درآورده‌اند.**

**چرا باید این قسمت را دربربازید؟**

**این‌جاست. چون باید بداند کسی چهره‌ا را درمی‌آورد و**

**به آن صحنه‌ها جایزه می‌دانند. برعق فروش فیلم شد. قدری**

**شمار در آن بود.**

**چرا باید این قسمت را دربربازید؟**

**این‌جاست. چون باید بداند کسی چهره‌ا را درمی‌آورد و**

**به آن صحنه‌ها جایزه می‌دانند. برعکس شورای قبلی بود و**

**این سلیقه است که بد می‌شود.**

**چرا باید این قسمت را دربربازید؟**

**این‌جاست. چون باید بداند کسی چهره‌ا را درمی‌آورد و**

**به آن صحنه‌ها جایزه می‌دانند. برعق فروش فیلم شد. قدری**

**شمار در آن بود.**

**چرا باید این قسمت را دربربازید؟**

**این‌جاست. چون باید بداند کسی چهره‌ا را درمی‌آورد و**

**به آن صحنه‌ها جایزه می‌دانند. برعکس شورای قبلی بود و**

**این سلیقه است که بد می‌شود.**

**چرا باید این قسمت را دربربازید؟**

**این‌جاست. چون باید بداند کسی چهره‌ا را درمی‌آورد و**

**به آن صحنه‌ها جایزه می‌دانند. برعق فروش فیلم شد. قدری**

**شمار در آن بود.**

**چرا باید این قسمت را دربربازید؟**

**این‌جاست. چون باید بداند کسی چهره‌ا را درمی‌آورد و**

**به آن صحنه‌ها جایزه می‌دانند. برعکس شورای قبلی بود و**

**این سلیقه است که بد می‌شود.**

**چرا باید این قسمت را دربربازید؟**

**این‌جاست. چون باید بداند کسی چهره‌ا را درمی‌آورد و**

**به آن صحنه‌ها جایزه می‌دانند. برعکس شورای قبلی بود و**

**این سلیقه است که بد می‌شود.**

## فرهنگ



نفر و برای دوساعت وظیفه دارم. کتابخانه محلی سرکوجه روزی ۵۰ نفر وظیفه دارد. پارک ملت و پارک‌شهر و... آنها هم یک وظیفه‌ای دارند و به این مجموعه وظایف اضافه می‌شوند. وقتی درباره فراغت و سرگرمی حرف می‌زنیم یک مفهوم کلان را باید نگاه کرد تا جامعه خود را بسازیم. من سه‌میلیون نفر، شهردار منطقه دو یک‌میلیون نفر، شهردار منطقه یک ۲۰۰ هزار نفر و... و هر یک کار خود را به‌خوبی انجام دهند روی هم اثرگذار است. ممکن است نوبستنده‌ها هم کتاب‌هایی بنویسند که سرگرم شویم.

**کدام تحلیل مدنظر شماست؟**